

گزیده مقاله‌شناسی توصیفی

زمستان ۱۳۸۴

به کوشش: فاطمه زمانی

کودکان را بدانند. متأسفانه، نویسندگان و دیگر هنرمندانی که برای کودکان کار می‌کنند، در برخی مواقع از درک دنیای کودکی عاجزند. بسیاری از کتاب‌هایی که از سوی بزرگسالان، کتاب‌های خوبی خوانده می‌شوند، برای کودکان مناسب نیستند و این مشکل تنها مختص کشور ما نیست، چنان‌که کتاب برنده جایزه نیوبری که یکی از جایزه‌های بزرگ بین‌المللی ادبیات کودک است، چندان مورد استقبال کودکان قرار نمی‌گیرد. باید بپذیریم که تصور ما از کودکان چیزی است که در ذهن خودمان می‌سازیم، آن را قطعی می‌کنیم، نیازهای این تصویر ذهنی را حدس می‌زنیم، سوالاتش را طرح می‌کنیم و به آن‌ها جواب می‌دهیم. غافل از این‌که کودکان به شکل ماهوی با آن‌چه در تصور ما وجود دارد، متفاوتند.

یکی از مهم‌ترین اهداف انسان‌هایی که سراغ ادبیات می‌روند، لذت‌بردن از متن ادبی است. لذت خواندن ادبیات را نباید با فشار آموزشی بکاهیم. کتاب خواندن یک کار جدی است که در ساعات خاصی و باید با تمرکز صورت گیرد. دلیل کتابخوان نبودن بزرگسالان ما نیز همین است. یاد نگرفته‌ایم که لذت ببریم و برای سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت هم کتاب بخوانیم.

همشهری ۳۸۸۹ ۸۲/۱۰/۲۴

نیم قرن کودکانگی، گفت‌وگو با امیرحسین فردی،

مدیر مسئول کیهان‌بچه‌ها

علی‌الله سلیمی

تصویر

به مناسبت ۵۰ سالگی مجله کیهان‌بچه‌ها، با امیرحسین فردی، مدیرمسئول این نشریه گفت‌وگویی شده که در این‌جا به گوشه‌هایی از آن اشاره می‌شود. او در مورد روند گردهمایی نویسندگان، شاعران، تصویرگران و عوامل ادبیات کودک و

ایران ۳۳۶۸ ۸۲/۱۰/۲۴

بچه‌خوانی‌ها، نگاه غیرتخصصی بزرگ‌ترها،
سرنوشت کتاب‌های کودکان را رقم می‌زند
مریم پایی

بر اساس اسناد تاریخی، قدیمی‌ترین فهرست کتاب ایران، فهرستی است که در دوره ناصرالدین شاه، از سوی عبدالوهاب معتمدالدوله به چاپ رسیده که البته این فهرست، شامل کتاب‌های منتشر شده در شهرهای اصفهان و تبریز نیست. بنابر آماري که در این کتاب عنوان شده است، از مجموع ۳۳۸ کتاب چاپ شده در آن دوره، حدود ۴۷ کتاب (۱۰ درصد) بچه‌خوانی بوده است. کتاب‌های کودک را در گذشته «بچه‌خوانی» می‌نامیدند.

کتاب‌های کودکان علی‌رغم تعدد چشمگیر عناوین آن، هنوز به سلیقه بچه‌ها نزدیک نشده است. چنان‌چه در بعضی از کتاب‌ها، آموزش در حد خوب و قابل قبولی ارائه می‌شود، ولی بیش‌تر کتاب‌ها این هدف را به خوبی برآورده نمی‌کنند. مفاهیم برخی از کتاب‌های کودک، در حد توصیه‌های سطحی با موضوعات بهداشتی، علمی و اخلاقی است که عمدتاً تکراری و در قالبی یکنواخت و نصیحت‌گونه عنوان می‌شوند.

صاحب‌نظران و نویسندگان گردهم می‌آیند، داستان‌ها در جمع خواننده می‌شود تا مورد نقد قرار گیرد و شاید به چاپ برسد. نقدهای منصفانه و غیرمنصفانه مجال بروز می‌یابند. داستان‌های زیبا مورد ستایش قرار می‌گیرند و داستان‌هایی که زیبا نیستند، ولی باید به نظر زیبا برسند، به اجبار دوستان، دارای نکات زیبا و هوشمندانه می‌شوند و تعدادی از داستان‌ها نیز محکوم به بی‌اعتنایی، تحمل ایرادهای غیرمعمول و موضع‌گیری‌های غیردوستانه‌اند. چنین نقدی مسلماً بر کتاب‌هایی که در حوزه ادبیات کودک منتشر می‌شوند، تأثیرگذار است.

بسیار کم هستند بزرگسالانی که به صورت واقعی علائق

نوجوان می‌گوید: در قدیم نشریات کودک و نوجوان، به اندازه فعلی نبود. دست‌اندرکاران ادبیات کودک و نوجوان، معمولاً در مراکز مکتبی مثل حوزه هنری، کانون پرورش فکری، شورای کتاب کودک و... حضور داشتند. مراکز یاد شده هم نگاه‌های بسته‌ای داشتند و معمولاً آدم‌ها را گزینش می‌کردند، نه آثار آن‌ها را. ما عکس این روند را در پیش گرفتیم؛ یعنی آثار نویسندگان را گزینش کردیم. ملاک ما کیفیت آثار است و همین سیاست، باعث جذب نخبگان ادبیات گردید. در حال حاضر بسیاری از چهره‌های موفق حوزه ادبیات کودک و نوجوان، در این فضا بالیده‌اند و حالا جزو افتخارات این عرصه محسوب می‌شوند.

وی ادامه می‌دهد: دفتر نشریه کیهان‌پچه‌ها بیش‌تر جنبه آموزشی و کارگاه‌های هنری و ادبی داشته. شاگردان بسیاری در این کارگاه‌ها تمرین کرده و حالا جزو چهره‌های سرشناس حوزه‌های فرهنگی هنری و ادبی شده‌اند. وی در مورد مشکلات موجود می‌گوید: مشکل اصلی و اساسی این است که مجله به راحتی به دست مخاطبان اصلی خود نمی‌رسد. به نظرم عوامل مؤثر در بعد فرهنگ‌سازی جامعه، باید این دغدغه بزرگ را داشته باشند که خواندنی‌های مکتوب را که مبتنی بر فرهنگ ملی و دینی ماست، به آسانی در اختیار کودکان و نوجوانان قرار دهند.

شرق ۶۶۲ ۸۲/۱۱/۷۱

گفت‌وگو با هوشنگ مرادی کرمانی

گفت‌وگو با هوشنگ مرادی کرمانی

امیرحاجی صادقی

گفت‌وگو

در این مقاله، با هوشنگ مرادی کرمانی در مورد فعالیت‌هایش و مخاطبین کودک و نوجوان گفت‌وگویی شده که به نکاتی از آن اشاره می‌شود. او در مورد ادبیات کودک و نوجوان معتقد است که آغاز ادبیات کودک در ایران، با خلق آثاری توأم شد که بیش‌تر جنبه نصیحت و موعظه داشت. بزرگ‌ترها، بچه‌ها را به شکل ظرف‌هایی می‌دیدند که بایستی از اندرز و تجربه پر می‌شد و تقریباً به لذت بردن آن‌ها از آثار تولید شده، نمی‌اندیشیدند. با گذشت زمان، شیوه‌های جدیدتری برای نگارش ادبیات کودک به خدمت گرفته شد. جبار باغچه‌بان و عباس یمنی شریف، از جمله کسانی بودند که ضمن طرح موضوع‌های آموزشی، به جنبه‌های هنری نیز توجه می‌کردند. بعد از آن حرکت جدیدی آغاز شد که نوشتن آثار ایدئولوژیک برای کودکان و نوجوانان بود. این‌گونه آثار، هم از زیر ضربات سانسور می‌گریخت و هم ذهن بچه‌ها را آماده می‌کرد تا با نگارش خاصی رشد کنند و این ایده‌ها و اندیشه‌ها را بعدها در جامعه پیاده کنند. از جمله چهره‌های شاخص این سبک، می‌توان به استاد مطهری و صمد پهرنگی اشاره کرد که اولی

اندیشه‌های اسلامی و دومی اندیشه‌های چپ‌گرایانه و سیاسی را ترویج می‌کرد. من راه میانه را در پیش گرفتم و داستان‌هایی برگرفته از زندگی عادی می‌نوشتم که در آن زمان، هیچ ناشری را راضی نمی‌کرد. من قصه‌های مجید را به شکل یک داروی گیاهی عرضه کرده بودم، ولی آن‌ها اعتقاد داشتند اکنون روزگار قرص و آمپول است و این حرف‌ها قدیمی شده. خیلی از ناشران می‌گفتند این داستان‌ها چیزهایی بی‌بو و بی‌خاصیت است، ارزشی ندارد و به بچه‌ها چیزی نمی‌آموزد. ممکن است بچه‌ها را بخندانند و برای‌شان خوب باشد، ولی ویتامین ندارد. بعضی از افراد سخت‌گیر تصور نمی‌کردند که در قصه‌های من ممکن است مطالب مفیدی پیدا شود.

او ادامه می‌دهد که: ما فکر می‌کنیم یک نوجوان برای فراگرفتن یک مطلب شعاری‌تر، هر چه جدی‌تر باشد، موفق‌تر است. این دیدگاه غالب در جامعه ماست و ریشه در بافت فرهنگی و اعتقادی‌مان دارد و همان چیزی است که مردم جامعه به آن اثر «پرمحتوا» می‌گویند، ولی من یا چنین عقیده‌ای موافق نیستم. سعی نکنیم به فکر نوشتن آثاری باشیم که در آن‌ها تبلیغ کنیم که کودکان به بزرگ‌ترها احترام بگذارند، خوب درس بخوانند، به پدر و مادرشان سلام کنند و... قیل از همه چیز، باید به این فکر باشیم که آیا کتابی که نوشته می‌شود، آن‌قدر جذابیت دارد که یک بچه را به خواندن وادار کند یا نه؟ اگر یک کتاب جذاب و شیرین باشد، خود به خود بقیه نکات هم در آن وجود دارد.

جوان ۱۹۶۶ ۸۲/۱۱/۳۰

تاملی بر ادبیات دینی کودک و نوجوان

محمد مهدوی شجاعی

زبان هر ملتی آینه فرهنگ اوست. اگر به کودکی ارزش زبانش را بشناسانند، حرکت تمامی ابعاد فرهنگی را به آینده آسان کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین وسایل این انتقال، ادبیات هر ملت است که زبان وسیله آن است. ادبیات شکل خاصی از هنر است که از راه دگرگونی در ساختار زبان عادی پدید می‌آید و مهم‌ترین هدف آن، تأثیرات عاطفی بر مخاطب است. هر متن ادبی که بتواند این تأثیر را بر کودک بگذارد، آن متن ادبیات کودکان هم به شمار می‌رود. معتبرترین، ارزشمندترین و شناخته‌شده‌ترین متون ادبیات کلاسیک ما در طول تاریخ، آثاری را شامل می‌شود که در چهارگونه حماسی، غنایی، عرفانی و اخلاقی - تعلیمی شکل گرفته‌اند. دغدغه اصلی شاعران و نویسندگان این آثار، ستایش و حمد خداوند و انبیا و ائمه (ع) و اولیا و بیان مفاهیم و ارزش‌های دینی و اخلاقی بوده است. تصور ادبیات کلاسیک ایران، بدون پشتوانه دینی غیرممکن به نظر می‌رسد. ادبیات کودک و نوجوان در ایران، سابقه تاریخی چندان

طولانی‌ای ندارد. آثار اولیه در این زمینه فاقد ارزش ادبی بوده و بیشتر جنبه تعلیمی و تربیتی داشته‌اند و نه به قصد لذت، بلکه به قصد تربیت خلق شده‌اند. بخشی از این ادبیات کودک، مربوط به حوزه دین و فرهنگ غنی اسلامی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در پی نفی فرهنگ غیردینی، نویسندگان و هنرمندان بسیاری در این حوزه به نگارش و خلق و تألیف آثار گوناگونی پرداخته‌اند. در این عرصه، گاه با شتابزدگی و ساده‌انگاری روبه‌رو هستیم. گاه حجم گسترده‌ای از این آثار، از گوهر ادبیات زبان بی‌بهره باقی مانده و تاریخ مصرف شخصی داشته‌اند.

مستقیم‌گویی و شعارزدگی و تعجیل، نثر نامناسب، ناآشنایی با حوزه حساس شناخت و معرفت دینی، مراجعه‌نکردن به منابع دست اول تاریخی، شناختن مخاطب خاص کودک و نوجوان، رونویسی از سایر آثار و ترجمه‌های بازاری و غیرخلاق، بخشی از مشکلات، مسایل و موانعی است که در حیطه ادبیات دینی کودک و نوجوان وجود دارد و کیفیت و سطح آرایه این آثار را به شدت آسیب‌پذیر و انتقادپذیر می‌سازد.

شرق ۶۹۶، ۶۹۸، ۸۲۳/۱۱/۸۴ و ۸۴۳/۱۱/۸۴

نویسنده تنها یک روایت‌گر است، گفت‌وگو با محمدرضا یوسفی، نویسنده کودک و نوجوان نلی محبوب

گفت‌وگو

محمدرضا یوسفی، در کارنامه خود ۱۴۰ اثر در حوزه‌های مختلف خردسال، کودک، نوجوان و بزرگسال دارد. او بر خلاقه‌بودن اثر تأکید دارد. از سال ۵۷ که اولین کتابش منتشر شده تاکنون موفق به دریافت جوایز خارجی و نیز منتخب جایزه هانس کریستیان آندرسن و دو لوح افتخار IBBY و... شده و جوایز داخلی متعددی مانند چندین لوح ویژه شورای کتاب کودک، دیپلم افتخار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را به خود اختصاص داده است. در این مقاله، گفت‌وگویی با او انجام شده که به نکاتی مهم از آن اشاره می‌شود.

او در پاسخ به این سؤال که فعالیت و چرخش یک نویسنده در حوزه‌های مختلف کودک، نوجوان و بزرگسال باعث ضعف کار است یا حاکمی از توانمندی و قدرت وی، می‌گوید: این نظر از هر دو جنبه صحیح است؛ گاه می‌تواند عامل قدرت نویسنده باشد و گاه به عامل منفی تبدیل شود. بر همین اساس، توانمندی نویسنده مطرح است. برخی نویسندگان در عرصه ادبیات کودک و نوجوان رشد کرده‌اند ولی وقتی وارد عرصه بزرگسال می‌شوند، دیگر به این عرصه بازمی‌گردند. بعضی از نویسندگان بزرگسال هم به سمت کار کودک و نوجوان روی می‌آورند و همین امر، گاه سبب ضعف کار می‌شود و گاه اثری شگفت‌انگیز به وجود

می‌آورد. من خودم به عنوان کسی که در گروه‌های مختلف نوشته‌ام، برایم کار در گروه‌های سنی پایین‌تر بسیار سخت و پیچیده‌تر می‌شود و نوشتن کار خردسال برایم سخت‌تر از نوشتن کار نوجوان و بزرگسال است. کودک و خردسال جهان خاص خود را دارند. این‌که بگوییم محدودیت جهان و واژگان این گروه سنی، دست نویسنده را می‌بندد، به نظرم صحیح نیست و معتقدم جهان تجربی نویسنده محدود است؛ چون هر انسانی در هر شرایط سنی، جهان تجربی خاص خود را دارد و نویسنده به دلیل تجربه کمی که از مخاطب خردسال دارد، دچار مشکل می‌شود. نوشتن برای کودک هم چنین است. جهان ذهنی کودک و خردسال، جهانی سوررئال است و وارد جهان سوررئال شدن کار سختی است. جهان کودک پیش‌دستانی جهانی فانتزی و سوررئال است و باید آن قدر با بچه‌ها سروکله زد تا آن‌ها را شناخت و به تجربه ذهنی آن‌ها رسید. این تجربه معنی متفاوتی با جهان تجربی بزرگسالان و حتی نوجوانان دارد.

ادبیات یک لذت است، وقتی یک اثر را می‌خوانید و از آن لذت می‌برید، اثری هنری است. بهتر است لذت را هم تعریف کنیم. به نظر من مجموعه عناصر یک اثر هنری اگر خلاقه و پویا باشند، چه طنز، چه تراژدی، چه سیاسی، چه اجتماعی و... لذت متن را به وجود می‌آورد و زمانی حادث می‌شود که اثر هنرمندانه باشد. مسئله خنداندن یا گریاندن نیست. غنای ادبی مطرح است. یک اثر هنری ابتدا باید ساختار قدرتمند و هنری داشته باشد. اگر سوزه محدود شود، خلاقیت محدود می‌شود. جهان هنر، جهانی آزاد و رهاست.

اطلاعات ۲۳۵۴۲ ۸۴/۱۱/۲۴

مصطفی رحماندوست: توجه به ادبیات کودک و نوجوان بعد از انقلاب زیاد شده است

وقتی انقلاب می‌شود، تحول در همه جا به وجود می‌آید. اما در ادبیات کودک و نوجوان، یک اتفاق عجیب افتاد و آن هم این‌که هرگز در پیش از انقلاب تا این حد کودک محوری در جامعه ایرانی وجود نداشت. بعد از انقلاب توجه به کودک، تعلیم و تربیت کودک، مدرسه‌های ویژه کودک خیلی زیاد شد و در نتیجه، توجه به ادبیات کودک و نوجوان هم زیاد شد. مصطفی رحماندوست، شاعر و نویسنده کتاب کودک و نوجوان، با بیان این مطلب افزود: ما پیش از انقلاب مقوله جدی‌ای به نام ادبیات کودک و نوجوان نداشتیم. کتاب برای کودکان بود، اما در تیراژ محدود و در سطح خانواده‌های مرفه و بیش‌تر در سطح تهران. بار ترجمه نسبت به تألیف خیلی زیاد بود. ما در حال حاضر، حدود ۵۲ مجله برای بچه‌ها داریم، اما قبل از انقلاب فقط کیهان‌بچه‌ها، اطلاعات دختران و پسران و ۴ تا پیک بود

انتقال عاطفه، فرهنگ انتقال زبان و تقویت آن و انقای حس زیبایی‌شناسی بوده است. این روزها که شلوغی و ازدحام اتفاقات روزمره، فرصت کنار هم بودن را از خانواده‌ها گرفته و ارتباط میان نسل‌ها را قطع و کمرنگ کرده، قصه‌گویی فرصت مغتنمی است برای تجدید حیات تمام این حس‌های از دست رفته. شعبانی کوشیده ضمن بازنویسی این افسانه‌ها، عناصر فرهنگ ایرانی و زبان فارسی را در نوشته‌ها نمایش دهد. در این مقاله، با او گفت‌وگویی شده که به نکاتی از آن اشاره می‌شود. وی در باره نوشتن افسانه‌های این کتاب می‌گوید: جامعه ما در برخورد با غرب و فرهنگ غربی، همواره رفتاری انفعالی داشته. زمانی رایج بود بخشی از افسانه‌های فرنگی، با تصاویر کارتونی عرضه شود و ناشران ایرانی هم به تبع بازار، این کتاب‌ها را با شکلی ضعیف‌تر و بازاری‌تر عرضه می‌کردند. همیشه فکر می‌کردم ما می‌توانیم نوشته ضعیفی را از فرنگی‌ها بگیریم و با فرهنگ و هنر ایرانی بیامیزیم؛ به طوری که از اصل بهتر باشد. با این ذهنیت، به این کار دست زدم و از یک تصویرگر برجسته خواستم متن را تصویرگری کند. متن را ایرانی کردم و ترانه‌های فولکلور روی آن گذاشتم به نام «دختر باغ آرزو» که به بازار عرضه شد.

وی در مورد تدوین این کتاب می‌گوید: این کتاب ۱۲ جلد است با ۳۷۷ افسانه که سعی کردم ساختار افسانه‌ای داشته باشند. ملاک من در انتخاب افسانه‌ها، تناسب آن‌ها با دنیای کودکان بوده، بعضی افسانه‌ها مناسب بچه‌ها نیست و با فرهنگ ما سازگاری ندارد، اما سبیل‌ها و نمادهایی در آن هست که عمق دارد. ما وقتی می‌خواهیم چیزی را برای بچه‌ها انتخاب کنیم، آن را مناسب‌سازی می‌کنیم.

افسانه‌ها به اعتبار افسانه‌بودن‌شان، دنیایی خیال‌انگیز را تصویر می‌کنند و می‌توانند متعلق به همه آدم‌ها و همه گروه‌های سنی باشند. البته شیوه عرضه و ارائه آن‌ها مشخص می‌کند که مخاطب اصلی آن چه کسی است. به خاطر زبان و شیوه پرداخت و تلخیص و سادگی و حذف بخش‌های دشوار و غیراخلاقی، این افسانه‌ها متعلق به بچه‌هاست، اما به هر حال همه می‌توانند مخاطب این افسانه‌ها باشند. افسانه‌ها را مردم می‌سازند، نه هنرمندان. بخشی از ادبیات شفاهی، افسانه است. این افسانه‌ها در سیر و سفر خود دگرگون می‌شوند و روایت‌های گوناگونی از آن‌ها عرضه می‌شود.

شرق ۸۰۷ ۸۲/۱۲/۸

نگاهی به نتیجه انتخاب کتاب سال وزارت فرهنگ
و ارشاد اسلامی در حوزه ادبیات نوجوان
سمیرا اصلان‌پور

که می‌شد ۶ مجله، خب، رقم ۵۲ یا ۶ قابل قیاس نیست. البته جمعیت مخاطب ما از حدود ۱۲ میلیون، به چیزی حدود ۳۰ میلیون رسیده است (بیش از ۲ برابر). از طرفی، وسایل ارتباط جمعی، شبکه‌های تلویزیونی، رادیویی، اینترنت و ماهواره‌ها هم در رشد ادبیات کودک و نوجوان نقش داشته‌اند. من اصلاً معتقد نیستم که بخواهیم مقایسه کنیم ادبیات کودک و نوجوان قبل از انقلاب را با وضعیت فعلی. زمانه از هر نظر عوض شده و انقلاب فقط یک تغییر است. کودک محوری در تمام جهان معنی پیدا کرده و ادبیات کودک و نوجوان، در تمام جهان گسترش یافته است. ما هم تحت تأثیر جهان، تغییرات عمده‌ای داشته‌ایم.

وی درباره رشد نویسنده‌های بومی و این‌که چرا تأثیر جهانی این نویسنده‌ها را نمی‌بینیم، گفت: اولاً ما در حیطه ادبیات کودک نوبا هستیم؛ یعنی ادبیات کودک زائری است که از کشورهای دیگر به ما رسیده. ارتباط بزرگ‌ترهای ما با کودکان در زمینه ادبیات، شفاهی بوده که برای آن‌ها قصه می‌گفتند، لالایی یا ترانه می‌خواندند. ما گذر از مرحله شفاهی به مرحله مکتوب را طی نکرده‌ایم. در نتیجه ما خیلی نوپاییم. حداکثر عمر ادبیات مکتوب ما به صد سال می‌رسد. دوم این‌که ما در حیطه جغرافیایی زندگی می‌کنیم که زبان‌مان دچار محدودیت درک است. زبان فارسی با این القبا، فقط در ایران قابل فهم است. مثلاً کشورهای عربی با این‌که از نظر ادبیات کودک خیلی از ما عقب هستند، اما چون ۴۰ تا ۵۰ کشور جهان عربی صحبت می‌کنند، اگر کتابی در یکی از کشورها بدرخشد، شانس ظهور و بروز در ۵۰ کشور را پیدا می‌کند. وی در باره تأثیر جنگ بر ادبیات کودک و نوجوان گفت: از دیدگاهی جنگ تأثیر داشته و تأثیر خیلی بدی هم داشته، اما باعث شده که ما روی پای خودمان بایستیم، ما در زمان جنگ چیزهایی نوشتیم که دنیا فکر می‌کرد نمی‌توان آن‌ها را نوشت. در حیطه ادبیات اگر آن آرامش بعد از انقلاب را داشتیم، خواه ناخواه قله‌های بزرگ‌تری را فتح کرده بودیم، اما به هم خوردن آرامش باعث شده ما به آن قله‌ها نرسیم، ولی از آن طرف چیزهایی در باره جنگ نوشتیم که دنیا فکر می‌کرد نمی‌توان نوشت. جنگ واقعه‌ای بود که بین بزرگ‌تراها و بچه‌ها اشتراک ایجاد کرد.

جام جم ۱۶۶۷ ۸۲/۱۲/۱۱

افسانه‌هایی با رنگ و لعاب ایرانی، تأملی بر
کتاب‌های قصه‌های امشب، به روایت اسدالله
شعبانی
نعیمه دوستدار

نقد

اسدالله شعبانی، شاعر و نویسنده کودک و نوجوان، افسانه‌های ایران و جهان را رنگ و لمبای دیگر زده و به بچه‌های ایرانی تقدیم کرده، از دیرباز قصه و قصه‌گویی، مهم‌ترین ابزار

چندی پیش نتایج انتخاب کتاب سال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام شد و در حوزه داستان نوجوان، دو کتاب

«پارسیان و من»، نوشته آرمان آرین و «راز گم شده خاور» نوشته عبدالمجید نجفی برگزیده شدند. البته «پارسیان و من» شامل دو جلد با عناوین «کاخ اژدها» و «راز کوه پرنده» است. در این مقاله، به نقد این دو اثر پرداخته شده است.

دور باطلی از تکرار، خاطره‌نویسی، عدم وجود تنوع و تجربه‌های جدید، عدم حضور خلاقیت و... که در داستان‌های گروه سنی نوجوان به وجود آمده، یکی از دلایل سردی بازار کتاب در این سال‌هاست و عجیب نیست که در چنین شرایطی، داستان‌هایی هم‌چون هری پاتر مورد استقبال نوجوانان ایرانی قرار می‌گیرد. در داستان، جذابیت مانند هر اثر هنری دیگر، حرف اول را می‌زند. مهم نیست که نویسنده چه دغدغه‌هایی دارد یا اهداف او از نوشتن چقدر ارزشمند است، اگر این اهداف والا در قالب داستانی جذاب، پرکشش و تأثیرگذار گنجانده نشده باشد، نه تنها هیچ‌گونه ارزش هنری و ادبی ندارد، بلکه اصل موضوع را نیز دچار خدشه می‌کند. امروز مشکل بزرگ ادبیات ما در وهله اول، همین کمبود کشش و کم‌بودن تجربه نویسندگان در عرصه‌های گوناگون زندگی است. این مشکل در ادبیات نوجوانان بیش‌تر نمود پیدا می‌کند؛ چرا که این گروه سنی قطعاً برای انتخاب مطالعه در میان گزینه‌های متعددی که می‌تواند اوقات فراغت آن‌ها را پر کند، بایستی انگیزه قوی و قدرتمندی داشته باشند و این در حالی است که گرایش آن‌ها به تفریح و تفرن و هیجان و شادی، بسیار بیش‌تر از گروه‌های سنی دیگر است. در چنین شرایطی است که خلق رمان پارسیان و من را می‌توان نقطه عطفی به حساب آورد. علی‌رغم ضعف‌هایی که این رمان، به ویژه در محتوا دارد، به جهات مختلف اثری ارزشمند است. نخستین مسئله همان جذابیت کار است که مانند آثار مشابه خود نیست. دوم آشنایی عمیق نویسنده با ادبیات گذشته ایران، مخصوصاً شاهنامه فردوسی است. در حقیقت می‌توان این رمان را یک بازنویسی فوق‌العاده خلاقانه از شاهنامه به حساب آورد. از طرف دیگر، این رمان مانند برخی داستان‌های غربی است که شخصیت‌ها یا شیوه‌ای مثلاً ماشین زمان، به گذشته‌ها می‌روند و افسانه‌ها و اسطوره‌های خود را تجربه می‌کنند. روانی نثر، در هم پیچیده شدن نسبتاً منطقی حوادث زمان حال و گذشته، پیش رفتن سریع ماجرا و نفوذ آن‌ها از عوامل دیگر جذابیت این رمان است.

«راز گم شده خاور» نیز داستانی ماجراجویی و محتوای داستان با نام آن هماهنگ است. داستان مملو از صحنه‌های انتقام، اعتیاد و بدبختی است که این سؤال را پیش می‌آورد که این موضوعات، چه ربطی به نوجوانان دارد؟ البته نویسنده فراموش نکرده که برخی رنگ و لعاب‌های نوجوانانه را به اثر

خود بزنند. انتخاب شخصیت نوجوانی به نام مجید و معلمی بنام نجفی، ولی آیا نوجوان بودن یک شخصیت فرعی، می‌تواند ملاکی برای نوجوانانه قلمداد کردن اثری باشد؟

شرق ۸۴/۱۲/۱۷

گفت‌وگو با محبوبه نجف‌خانی - مترجم: ترجمه

القای لحن و خلق اثر نیست

نلی محبوب

تجربه

محبوبه نجف‌خانی، از مترجمان فعال حوزه کودک و نوجوان است که از سال ۷۴، به صورت حرفه‌ای فعالیت در این حوزه را آغاز کرده و ترجمه «در جست‌وجوی دلتورا» و آثار «رولدال» را به طور مستمر انجام می‌دهد. وی در حوزه فعالیت خود به عنوان بررس شورای کتاب کودک و منتقد نیز فعالیت داشته است و از شش سال قبل به صورت گروهی، به عنوان معلم کتابخوانی و مشاور کتاب، در یکی از مدارس راهنمایی تهران مشغول است.

او در مورد این‌که کار روی آثار یک نویسنده خاص، چقدر به مترجم کمک می‌کند، می‌گوید: اگر کسی بخواهد حتی یک کار از نویسنده‌ای ترجمه کند، باید حتی‌المقدور آثار دیگر او و زندگی‌نامه‌اش را بخواند. اینترنت سبب تسهیل در کار است. نقدهای مختلف در مورد کارهای نویسنده، کمک می‌کند و هم‌چنین نظر بچه‌ها در مورد کتاب‌های مختلف، وی در مورد بازی‌های کلامی در متن‌های اصلی و ترجمه آن‌ها می‌گوید: مسئله جایگزین کردن کلمات که همان حال و هوا و زیبایی کلمه اصلی را داشته باشد و همان تأثیر متن اصلی را ایجاد کند، یکی از مشکلات مترجم است. او در مورد نقش مخاطب و اهمیت دادن به خواسته‌هایش در موفقیت کار، معتقد است که: بچه‌ها بررس‌های خوبی هستند و گاه به مسائل اشاره می‌کنند که بعدها در نقدهای منتقدین مطرح به چشم می‌آید. بچه‌ها بسیار باهوشند و جالب این‌جاست که کتاب‌های ترجمه، به راحتی با بچه‌های ما ارتباط می‌گیرند. حتماً چیزی در درون این‌گونه آثار نهفته است. نجف‌خانی در مورد ترجمه مجموعه پانزده جلدی در جست‌وجوی دلتورا می‌گوید: در جست‌وجوی دلتورا، یک اثر فانتزی ماجراجویی مثل هری پاتر است، اما خلاف هری پاتر کتابی نیست که صرفاً به یک فضای تخیلی و جادوگری و پرماجرا بپردازد. دلتورا ویژگی خاصی دارد که این اثر را از هری پاتر متمایز می‌کند. علاوه بر داستانی زیبا و خلاق و بکر، یک کار کاملاً جامعه‌شناسانه است و در حوزه نوجوان، کم‌تر کتابی مثل این مجموعه یافت می‌شود. او در جواب به این سؤال که چه سوره‌هایی برای بچه‌ها مناسب است، پاسخ می‌دهد که: دنیای بچه‌ها دنیای پیچیده‌ای است؛ چون اکثراً

بسیار تخیلی بسیار قوی دارند. بچه‌ها داستان‌های عجیب و غریب و ترسناک و پرهیجان را دوست دارند. با نگاهی به آثار کهن، می‌توان دید که تمام افسانه‌های خودمان هم پر از جن و پری و دیو و هیولاست. برخی معتقدند که شرایط روحی - روانی بچه‌ها با چنین داستان‌هایی به خطر می‌افتد، ولی وقتی بچه‌ها این‌گونه آثار را انتخاب می‌کنند، خودشان می‌دانند با داستانی تخیلی روبه‌رو هستند و خود را از قبل آماده می‌کنند. تخیل و تکنیک قوی در این‌گونه آثار حرف اول را می‌زند. در مورد گروه سنی نوجوان، کمبود کتاب‌های عاطفی، بسیار احساس می‌شود که به علت نبود کتاب‌های مناسب این گروه سنی در بازار نشر، نوجوانان به کتاب‌های بزرگسالان و متأسفانه بازاری و بی‌محتوا رو می‌آورند.

شرق ۷۱۴ ۱۱/۱۵/۸۴

یکی از هزاران پنجره، گفت‌وگو با محمود حکیمی،
نویسنده داستان‌های دینی
نلسی محبوب

گفت‌وگو

ادبیات دینی، بخشی از ادبیات تعلیمی است و به مجموعه آثار و نوشته‌هایی گفته می‌شود که از درون‌مایه دینی برخوردار باشد. نویسنده آثار دینی ویژه کودکان و نوجوانان، تلاش می‌کند که نوشته خود را خواه داستان و خواه غیرداستان، درخور فهم مخاطبان خویش ارائه دهد. ادبیات دینی، گذشته از اندرزهای اخلاقی، اصول و مبانی دینی، دستورات، عبادات، آیین‌ها و مناسک دینی را نیز شامل می‌شود. در این مقاله، در باره داستان‌های دینی، گفت‌وگویی با محمود حکیمی انجام شده که به گوشه‌هایی از آن اشاره می‌شود. وی در باره اهدافی که داستان‌های دینی می‌توانند داشته باشند، می‌گوید: نویسنده‌ای که برای نوجوانان می‌نویسد، می‌تواند با نگارش داستان، خصلت‌های پسندیده بزرگان دینی مثل وفای به عهد، کمک به زیردستان، شجاعت و... را برای مخاطبان خویش بازگوید. قرآن کریم، احادیث نبوی و تاریخ اسلام، ارکان ادبیات دینی را تشکیل می‌دهند. وی ادامه می‌دهد که کودکان و نوجوانان، هنگامی که قصه‌ای را می‌خوانند، خود را به جای قهرمان آن قصه می‌گذارند. کودک چه در خانواده‌ای پرهمز بزرگ شود و چه از محیط خانوادگی بی‌بهره باشد، می‌تواند مهربانی را در زندگانی قهرمانان قصه بازشناسد. پیامبران و امامان ما قهرمانان مهرورزی بودند. ما به نویسندگانی توانمند نیاز داریم که نهضت پیامبران را در قالب داستان‌های زیبا و جذاب عرضه کنند. بعد از آن باید به مخاطبان خویش، این اندیشه را تفهیم کنیم که یک انسان متدین در پرتو آموزه‌های بزرگان دینی، همه انسان‌ها را دوست دارد و هرگز برای گسترش عقاید و آرمان‌های خویش

به زور متوسل نمی‌شود؛ زیرا تلاش برای تحمیل عقیده، موجب مذهب‌گریزی می‌شود. این واقعیات را می‌توان در قالب داستان‌هایی زیبا مطرح ساخت و این‌که چگونه می‌توان با سلاح استدلال و منطق با کسانی که مانند ما فکر نمی‌کنند، به بحث و گفت‌وگو پرداخت.

وی می‌افزاید: یک پژوهشگر دینی که نتایج پژوهش‌های خویش را به صورت داستان یا مقاله به جامعه ارائه می‌دهد، باید به افراد شرکت‌کننده در جشن‌ها و عزاداری‌ها تفهیم کند که هدف نهایی از شرکت در این مراسم، شناخت هر چه بیش‌تر آموزه‌های اصیل دینی است. متأسفانه از دوران صفویه به بعد و مخصوصاً در دوران قاجاریه، حکومت‌های جابر تلاش کردند که با تحریف بسیاری از وقایع تاریخی، اهداف اصلی این مراسم را پنهان سازند. مذهبی‌نویسان باید بر این نکته تأکید کنند که شیوه زندگی ائمه اطهار (ع) دست‌نیافتنی نیست. اینان الگو هستند و کسانی که خود را پیرو آنان می‌دانند، باید حامی مظلومان و دشمن ظالمان باشند و از حقوق انسان‌ها دفاع کنند.

کتاب ماه ادبیات و فلسفه ۹۴ مرداد ۱۳۸۴

شما که غریبه نیستید

گفت‌وگو

سرگذشت و زندگی‌نامه خود نوشت بسیاری از نویسندگان و بزرگان اهل ادب و فرهنگ نیز مانند آثارشان خواندن و آموزنده است. با ورود رمان به عرصه ادبیات، زندگی‌نامه‌های خود نوشت نیز قالب‌های تازه‌ای یافتند. هوشنگ مرادی کرمانی، از نویسندگانی است که زندگی او با زبانتاب فراوانی در آثارش دارد و شما که غریبه نیستید، تازه‌ترین اثر انتشار یافته این نویسنده است که به نوعی زندگی‌نامه خود نوشت او محسوب می‌شود. زبان این اثر شیرین، ساده و صادقانه و روان است. چند عنصر در قصه‌های مرادی کرمانی است که تکرار می‌شوند و این‌ها به نوعی از زندگی او به ویژه در کودکی و نوجوانی نشأت می‌گیرند. یکی موضوع یتیمی و مقاومت در برابر تقدیر و مشکلات زندگی، دوم، فقر شرافتمندانه، سوم روستاست و چهارم عنصر طنز که این چهار عنصر تقریباً در تمامی قصه‌های او و «شما که غریبه نیستید» حضور دارند.

یک صد و شصت و سومین نشست کتاب ماه ادبیات و فلسفه، به نقد و بررسی این اثر اختصاص داشت که با حضور کیومرث پوراحمد، احمد سمیعی، بلقیس سلیمانی و رویا صدر برگزار شد. در این‌جا به اختصار، به چند نکته از گزارش این نشست اشاره می‌شود.

کیومرث پوراحمد می‌گوید: نویسندگی هوشنگ مرادی کرمانی، از انشاهای مدرسه شروع می‌شود و از همان‌جا جنم نویسندگی‌اش را نشان می‌دهد. نوشته‌هایی به کلی متفاوت

که به عقل جن هم نمی‌رسد. او بعد از سال‌های سال خواندن و نوشتن، سرانجام «مجید» را خلق می‌کند. مجید در برنامه خانواده رادیو گل می‌کند. مرادی کرمانی در طول نوشتن خاطرات تلخ و غم‌بار زندگی‌اش، بارها دچار بحران و بیماری می‌شود، ولی هرگز نخواسته خواننده‌اش را دچار احساسات یا افسردگی کند یا ترحم او را برانگیزد. در تلخ‌ترین شرایط گریزی می‌زند به طنز یا به طبیعت پناه می‌برد، آرام می‌گیرد و خواننده را هم به آرامش دعوت می‌کند. او می‌گوید برای تبدیل شدن به نویسنده یا هنرمندی خیلی موفق و بزرگ، گاهی سماجت، سماجت، سماجت و انگیزه‌های بزرگ و قوی، مهم‌تر است از نبوغ، رنج‌ها و سختی‌ها و محرومیت‌ها، سرمایه‌ای است گران قدرتر از سرمایه‌های دیگری که بالقوه می‌تواند نویسنده یا هنرمندی بزرگ خلق کند.

هوشنگ مرادی کرمانی، شاید تنها نویسنده‌ای باشد که در دل عوام و خواص به یک اندازه جا دارد. او می‌گفت خاطراتم را نوشتم تا بگویم که نه آدم خاصی هستم و نه نابغه‌ام. این مؤثرترین پیامی است که او با آخرین اثرش به همه ما، به خصوص به جوان‌ها و نوجوان‌ها می‌دهد.

کتاب ماه هنر ۷۹-۸۰

واگویی‌هایی از هزار و یک شب
وحید اسدزاده

درک روح و روان اخلاقی هزار و یک شب، می‌تواند ما را به چشمه‌ای که فرهنگ و خاطره جمعی ما از آن سیراب می‌شود، برساند. هر چند با هر گسستی، گل‌آلودی این رود بیش‌تر شده و امروز شاید آثار کمی از آن چشمه اولیه برجای مانده باشد، ریشه‌ها را هنوز هم می‌توان جست‌وجو کرد. تخیل و روایی که در هزارویک شب موج می‌زند، تجلیات «وجود» است که انسان نیز بخشی از آن است. ملموس بودن سحر و جادو و جلوه عادی آن، به این علت است که «وجود» امری زمینی نیست تا قوانین زمینی بر آن حاکم باشد. درک آن توسط افسون و جذبه صورت می‌گیرد نه عقل. هزارویک شب، بازی بی‌غرض و بی‌غایت این وجود شرقی است. معناهای نهفته در هزار و یک شب که برآمده و شکل‌دهنده ارزش‌های مخاطبان است، همه پاسخ‌هایی است به پرسش‌هایی که مخاطبان در دل دارند؛ پرسش‌هایی مشترک که خصلت پاسخ‌گویانه قصه، وظیفه پاسخ به آن‌ها را برعهده گرفته است. روایات به ما طرز نگرش به جهان و به خود را می‌آموزند. از طریق روایات، انسان تجربه‌های خود را از طریق سلسله رخدادهایی که از نظر زمانی پر معنا و بااهمیت هستند، سامان می‌دهد. انسان می‌تواند جهان را در قالب روایت درک کند و می‌تواند درباره جهان بگوید؛ یعنی روایت هم شیوه شناخت و

هم شیوه بازنمایی است.

هزارویک شب به تمامی یک گفتار است. اول آن که صورت اصلی آن شفاهی بوده است. دوم، اهمیت واکنش شنونده در بیان قصه‌هاست. آن چه به صورت شفاهی بیان می‌شود و مخاطبش همیشه فردی حاضر است و مثل نوشتار مخاطب انتزاعی ندارد، مثال نایی است از گفتاری که در فرایند بین دو فرد اجتماعی ساخته می‌شود. می‌توان گفت که هزارویک شب، یک نمونه کامل برای تجربه «مابودن» است. گفتار ضرورتاً زمینه اجتماعی دارد و توسط یک فرد اجتماعی، به فرد اجتماعی دیگر ادا می‌شود. آن چه مشخصه اصلی این گفتار منجر به «تجربه ما» است، سروکار داشتن آن با ارزش‌ها به معنای وسیع کلمه است.

کتاب ماه هنر ۸۱-۸۲

معلم و شاکرد: ساختار و مفهوم در هزارویک شب
و کلیله و دمنه
ساداتا ناتاتیانی، ترجمه حمید قربانی

هزارویک شب و کلیله و دمنه که هر دو منشأ آسیایی دارند، طی قرن‌های متمادی بر تخیل ادبی و قصه‌های عامیانه مکتب‌های مختلف جهان اثر گذاشته‌اند. از این دو اثر، کلیله و دمنه قدیمی‌تر است و احتمالاً هزارویک شب از آن تأثیر پذیرفته است. روایت‌های گوناگون در مورد منشأ این دو اثر چندان مستند نیست. هر دو اثر نسخه‌های بومی متعددی دارند و هر دو به واسطه ترجمه به زبان‌های مختلف اروپایی، در دوران معاصر محبوبیت زیادی یافته‌اند. امروزه انتشار گسترده و جایگاه این دو اثر، جاذبه پژوهشی خاصی برای محققان فرهنگ عامیانه ایجاد کرده. هر دو اثر، داستان‌های زیادی دارند که در یک چارچوب داستانی قرار گرفته‌اند. مطالعه تطبیقی، نشان می‌دهد که ساختارهای این دو چارچوب داستانی، علی‌رغم داشتن عناصر ویژه و متفاوت، به طرز شگفت‌آوری شبیه یکدیگرند. اساس هر دو داستان، آموزش فرمانروایان است؛ آموزش‌هایی نه برای افراد معمولی که شامل کسانی است که تعلیم‌دادن به آن‌ها دشوار است. هر دو معلم از روی میل و اراده و برای نجات مردم از ستم فرمانروایان خودکامه، این چالش را می‌پذیرند و هر دو، قصه را وسیله تعلیم خود قرار می‌دهند. هر دو داستان پایان خوشی دارند و معلم موفق می‌شود شاگرد خود را به فرمانروایی دانا تبدیل کند؛ این ویژگی‌ها بیانگر شابهتی ذاتی بین ساختار هزارویک شب و کلیله و دمنه است. با این حال، اگر با دید تحلیلی‌گرایانه به ساختارها بنگریم، درمی‌یابیم که بین این دو داستان تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. بارزترین تفاوت بین این دو داستان، جنسیت دو معلم است. شهزاد هزارویک شب، زنی جوان و ویشنوشارما

معلم کلیله و دمنه، مردی سالخورده است. تفاوت این دو معلم به واسطه موقعیت‌های مختلف تدریس تشدید می‌شود. شهرزاد داوطلبی است که زندگی خود را به مخاطره می‌اندازد. ویسنو شارما که معلمی از خود مطمئن و تقریباً مغرور است، اعتبار و حیثیت خود را که حاصل یک عمر است، در معرض خطر قرار می‌دهد. تقریباً این دو مخاطره به یک اندازه اهمیت دارند.

مخاطبان این داستان‌ها با یکدیگر بسیار تفاوت دارند. بارزترین تفاوت در سن و وضعیت ذهنی آن‌هاست. مخاطب داستان‌های شهرزاد - شهریارشاه - عاقله مردی است که تجربه‌ای تلخ، او را از فرمانروایی نیک‌سیرت و عادل، به یک جانی تبدیل کرده. مخاطبان داستان‌های ویسنوشارما، پسران جوانی هستند که پدرشان آن‌ها را «احمق‌های صعب‌العلاج» و «یکی احمق‌تر از دیگری» توصیف می‌کند. آن‌ها حق اظهارنظر در مورد آموزش خود ندارند.

تفاوت‌های موجود بین هویت قصه‌گویان و مخاطبان، دو ضلع مثلثی است که قاعده آن خود داستان‌هاست. به هر حال هر دو معلم قصه‌گو موفق می‌شوند که شاگردان بزرگ‌زاده خود را به دنیای انسانی، منطقی و اجتماعی بازگردانند! اگرچه این عمل را از دو قطب کاملاً متضاد انجام می‌دهند.

کتاب هفته ۶۷۲ ۸۲/۱۱/۲۹

کودکانه‌های کتاب سال، در حاشیه انتخاب کتاب سال حوزه کودک و نوجوان زهره نیلی

کتاب‌های

امسال نیز هم‌چون سال‌های گذشته، هم‌زمان با دهه فجر، بیست و سومین دوره انتخاب کتاب سال برگزار شد و «قدم یازدهم»، نوشته سوسن طاق‌دیس (انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)، «پارسیان و من» و «کاخ اژدها»، اثر آرمان آرین (نشر موج)، «راز گم‌شده خاور»، تألیف عبدالمجید نجفی (انتشارات سوره مهر) و ماجراهای حسابی (سرگذشت پیدایش اعداد)، تألیف امید وهابی املشی (کتاب مرجع - کتاب طاووس)، به عنوان کتاب‌های برگزیده سال در حوزه کودک و نوجوان شناخته و معرفی شدند. این‌که برگزاری مراسمی چون انتخاب کتاب سال، نمایشگاه کتاب و... تا چه اندازه بر رشد و گسترش فرهنگ کتابخوانی تأثیر می‌گذارد و کودکان و نوجوانان را به مطالعه علاقه‌مند می‌کند، بهانه‌ای شد تا با نویسندگان و ناشران برگزیده به گفت‌وگو بنشینیم و نظرشان را در این باره جویا شویم. بعضی بر این باور بودند که این‌گونه مراسم تأثیری مثبت بر رشد فرهنگ کتابخوانی می‌گذارند و نه تنها کودکان که بزرگسالان را هم به مطالعه وامی‌دارند و بعضی دیگر، معتقد بودند که این چنین برنامه‌هایی تأثیر چندانی در گرایش بیش‌تر مردم به کتاب و کتابخوانی ندارند. سوسن طاق‌دیس، نویسنده،

ادبیات را از جمله مظلوم‌ترین هنرها و ادبیات کودک و نوجوان را بی‌پناه‌تر از آن دانست و گفت: هنرمندان کودک و نوجوان همیشه بی‌ادعا و بی‌هیاهو همه زمینه‌ها را پوشش داده و به تمام زوایا پرداخته‌اند. مراسم انتخاب کتاب سال، به نویسندگان و تصویرگران کودک و نوجوان شخصیت و هویت می‌بخشد. وی با اشاره به این نکته که علت پایین‌بودن سطح مطالعه در کشور، تنها وابسته به کیفیت آثار منتشر شده نیست، گفت: عوامل بسیاری از فقر فرهنگی گرفته تا فقر اقتصادی در این زمینه مؤثرند. هم‌چنین، نگرش سیاست‌گذاران و سیاست‌های مراکز و رسانه‌های مختلف را هم نمی‌توان نادیده گرفت.

حمیدرضا شاه‌آبادی، مدیر انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بیان کرد: انتخاب کتاب‌ها در فضای انتزاعی و بدون توجه به نیازها و علایق مخاطبان انجام می‌شود. وی با اشاره به راه‌های علاقه‌مند کردن مخاطبان گروه‌های مختلف سنی به کتاب و کتابخوانی گفت: ابتدا باید تعریف خود را از نثر تغییر دهیم و از زاویه‌ای دیگر به این موضوع بنگریم. هم‌چنین باید به بخش توزیع و پخش کتاب رسیدگی و کتاب‌فروشی‌ها و کتابخانه‌ها را تقویت کنیم. کارهای زنجیروار و پیوسته‌ای نیز باید انجام شود تا کودکان و نوجوانان و جوانان به مطالعه علاقه‌مند شوند.

امید وهابی املشی، نویسنده، در باره مراسم کتاب سال گفت: در جهان، حدود هفت‌صد هزار مرکز معرفی کتاب سال وجود دارد که بر بازار کتاب تأثیر بسیار می‌گذارند. کتاب سال جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند با بازار جهانی کتاب ارتباط بیش‌تری بگیرد و مردم را از حالت مخاطب منفعل بودن خارج کند. عبدالمجید نجفی نویسنده، گفت: در همه جای دنیا از مقوله فرهنگ حمایت می‌کنند، اما شکل و سمت و سوی آن با توجه به ساختارها و سلیقه‌های فرهنگی هر قوم و ملتی متفاوت است. برگزاری مراسمی چون کتاب سال، با کارشناسی عمیق‌تر در همه حوزه‌ها، می‌تواند تلنگر خوبی برای علاقه‌مند کردن افراد به کتاب و کتابخوانی باشد. می‌تواند جلوی بسیاری از اسراف‌کاری‌ها را بگیرد و با نظارت و برنامه‌ریزی اصولی‌تر، فرهنگ کتابخوانی را به یک عادت مرسوم تبدیل کند. اگر در پی بالا بردن نرخ مکالمه در کشور و توسعه پایدار و همه‌جانبه هستیم، باید از حیطة کودک و نوجوان شروع کنیم و مطالعه را جزو مشغله‌های اصلی و اساسی کودکان خود بدانیم.

کتاب هفته ۶۷۰ ۸۲/۱۱/۱۵

خون خیال شعر در رگ قصه مصطفی رحماندوست



«قصه» و «شعر» دو قول‌های به هم چسبیده‌ای بودند که روزگاری دراز، کسی حتی فکرش را هم نمی‌کرد که از هم جدا شوند. خون خیال شعر، در رگ قصه جاری بود و جاذبه حادته‌ها

و امید و انتظار آفرینی قصه، تکیه‌گاه بروز شاعرانگی پیام‌ها و شعر بخشی شعر، صدها سال این دو قلوهای به هم چسبیده، بدون این که احساس دوگانگی کنند، در بستر موسیقی رشد کردند. در تاریخ ادبیات شفاهی و مکتوب دو هزار سال گذشته، می‌توانیم گاه‌گاهی به وجود قصه‌هایی اشاره کنیم که شعر نبوده‌اند و با موسیقی سروکار نداشته‌اند، اما وجود نمونه‌های بسیار قصه‌های لباس نظم پوشیده و سرودها و ترانه‌هایی که خمیرمایه داستانی داشته‌اند و همراه با موسیقی به گوش مخاطبان نشستند، ما را وامی‌دارد که باور کنیم شعر و قصه صدها سال به هم پیوند داشته‌اند و در بستر موسیقی، همراه بوده‌اند. ادبیات شفاهی، مقدم بر ادبیات مکتوب بوده است. قصه‌پردازان دیرپوز، همان قصه‌گویانی بوده‌اند که سازی بر کف، قصه‌های‌شان را شاعرانه سروده‌اند. آن‌چه به عنوان «قصه‌گویی» در خاطر نوشته‌ها به جا مانده، از نظم آیین‌بودن قصه‌ها و مسجع‌بودن کلام قصه‌گویان حکایت دارد که با فراز و فرودهای آهنگین موسیقی همراهی داشته است. امروزه قصه‌گویی و افسانه‌سرایی، با پیش‌درآمدهایی شعرگونه، چون «یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچ کس نبود» یا «اما راولان اخبار و گویندگان شیرین سخن گفتار چنین حکایت کرده‌اند که» آغاز می‌شود و با پایان‌بندی‌های شعروارهای چون «بالا رفتم ماست بود، پایین آمدم دوغ بود قصه ما دروغ بود»، به آخر می‌رسد. می‌توان گفت که این آغاز و انجام نظم‌گونه، بازمانده ساختمان عظیم قصه‌های قصه‌گویانی است که در گذر زمان، نظم و قافیه‌شان دچار سایش و فرسایش شده است. با این حساب، اگر بخواهیم تاریخ قصه‌پردازی ایران را بنویسیم و سابقه آن را جست‌وجو کنیم، نمی‌توانیم قصه‌های بلند و کوتاه منظوم را از دایره بررسی خود بیرون بریزیم و اگر بخواهیم تاریخ پیدایی شعر فارسی را بنویسیم، نمی‌توانیم قصه‌های نظم آیین و شعرهای داستانی و حادثه‌مدار را از حیطه تتبع خود جدا کنیم. این دو قلوهای به هم چسبیده، به وسیله فرهیختگانی که بیش‌تر قصد زبان‌آوری داشتند، از هم جدا شدند.

ادبیات کودکان ایران، چه در بروز و ظهور تاریخی‌اش و چه در شکل امروزش که یکی از گونه‌های بازگشت ادبی است، همواره با قصه‌های منظوم توأم بوده است. حتی شاعرانی که در سده‌های پیشین، با اندیشه آموختن حکمتی و یا ارائه نصیحتی، کودکان زمان خویش را مخاطب اثر خود قرار داده‌اند، گریزی جز پناه‌آوردن به قالب قصه منظوم نداشتند.

کتاب هفته ۶۶۹ ۱۳۸۱/۸۲

شکرند شعبده‌بازان، گفت‌وگو با منوچهر اکبرلو،
نویسنده، منتقد و پژوهشگر
سمیه قاضی‌زاده

شکرند

منوچهر اکبرلو، در سال ۱۳۴۱ در تهران متولد شده و

تاکنون بیست و چهار جلد کتاب در زمینه ادبیات و هنر نوشته است. چند مجموعه نمایش‌نامه، شش کمیک استریپ، هفت داستان آموزشی برای نوسوادان و ترجمه مدخل‌های هنر و ادبیات و دو دایره‌المعارف، از جمله آثار اوست. آخرین کتاب‌های او، مهر امسال، همزمان با جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان، با عنوان «شعبده سینما» (سینما برای نوجوانان) و «اقتباس ادبی برای سینمای کودک و نوجوان» منتشر شده است. به بهانه انتشار این دو کتاب، با وی گفت‌وگویی شده که به نکاتی از آن اشاره می‌شود.

او در پاسخ به این سؤال که آیا کاری مشابه کار شما برای نوجوانان صورت گرفته یا نه، می‌گوید: چند کتاب ترجمه‌ای در این زمینه وجود دارد، اما نشر آن‌ها برای نوجوانان سنگین است. به علاوه، این کتاب‌ها فقط متکی به اعداد و اسامی هستند و اصولاً نوجوانان یا فیلم این‌گونه برخورد نمی‌کنند. آن‌ها به وجه لذت‌بخشی سینما بیش‌تر از دیگر شاخه‌ها توجه دارند. آن‌ها موقع دیدن یک فیلم، دوست دارند از چگونگی ساختن آگاه شوند. اگر جایی، گروهی مشغول فیلم‌برداری باشند، آن‌ها با اشتیاقی بیش از بزرگ‌ترها دوست دارند ببینند چه خبر است، بازیگران چگونه چهره خود را تغییر می‌دهند و... این اشتیاق، مثل علاقه‌ای است که آن‌ها به یافتن جواب یک چیستان دارند. برای همین، من اسم این کتاب را گذاشتم شعبده سینما و به این وسیله آن‌ها را به پشت صحنه سینما می‌برم و ابعاد قضیه را برای‌شان روشن می‌کنم. در هر بخش هم یک کار عملی آورده‌ام تا پس از کسب لذت از آن‌چه خوانده‌اند، درگیر موضوع شوند. شعبده سینما هجده بخش دارد و برای نوشتن کتاب، از پیداکردن ایده اولیه برای ساخت یک فیلم شروع کرده‌ام. بعد از آن به نوشتن فیلم‌نامه و دکوپاژ... پرداخته‌ام تا برسد به فیلم‌برداری، صدابرداری، بازیگری و... در بخش‌هایی هم به دوبله و بدل‌کاری پرداخته‌ام و سرانجام کتاب با بحث پخش فیلم، تبلیغات برای آن و نقد پایان می‌پذیرد. معمولاً ما عادت نداریم در زمینه‌های نظری و پژوهشی هنرها از جمله سینما و بالاخص سینمای کودک و نوجوان کار کنیم. البته مقالاتی به صورت پراکنده نوشته شده و ترجمه‌هایی نیز وجود دارد که به کار نویسنده یا فیلم‌ساز ایرانی نمی‌آید. همیشه این احساس با پژوهشگر هست که اگر فلان مسئول کتابخانه همکاری می‌کرد یا اگر زمان اجازه می‌داد که منابع بیش‌تری جست‌وجو شود، حتماً محصول نهایی جامع‌تر از کار درمی‌آمد. وقتی وارد گود کار می‌شوی، درمی‌یابی که چقدر موضوع برای کار و پژوهش و تحلیل وجود دارد که به آن‌ها پرداخته نشده است.

کتاب «اقتباس ادبی برای سینمای کودک و نوجوان» نیز شش فصل دارد که در آغاز اقتباس را تعریف کرده و انواع آن را برشمرده‌ام و در جایی دیگر، به تعامل و تقابل سینما و ادبیات پرداخته‌ام. سپس ویژگی‌های آن دو را مقایسه و در باره روابط داستان‌نویسان، نمایش‌نامه‌نویسان و فیلم‌سازان نیز صحبت

کرده‌ام. در بخش مفصلی از کتاب، به مراحل اقتباس پرداخته‌ام؛ این‌که در روند تبدیل یک داستان یا نمایش‌نامه به یک فیلم‌نامه چه اتفاقاتی می‌افتد، چه کار باید کرد و از چه راه‌هایی باید رفت. نمی‌شود رابطه داستان، نمایش‌نامه و فیلم‌نامه را نادیده گرفت؛ چون این سه شاخه ادبی همواره با هم درگیر هستند. میان فیلم‌سازان و نویسندگان ما دیوار بی‌اعتمادی بلندی وجود دارد. جز موارد خاص، فیلم‌سازان خودشان را راحت کرده‌اند و کتاب نمی‌خوانند. نویسندگان هم میانه‌ای با تأثر و سینما ندارند.

کتاب هفته ۱۳۸۴/۱۰/۱۷ ۶۶۶

شعر سیال، مخاطب سیال، نگاهی به شعر

نوجوان

عرفان نظراهارى

و تکثر نیاز دارد. شعر نوجوان نمی‌تواند شعری مناسب برای همه نوجوانان ایرانی در هر جا و با هر سلیقه‌ای باشد. پس برای رسیدن به شعر نوجوانان واقعی، باید چشم از مخاطب فراگیر برداشت و به مخاطبان محدودتری دل بست که خودشان با توجه به انگیزه، سلیقه و تجربیات خود دست به انتخاب می‌زنند. وقت آن است که شعر نوجوان، از معنای حذقلی خود فراتر رود و به جای ماندن در محدوده شعر نوجوان، به مفهوم شعر ناب نزدیک‌تر شود؛ شعری تأویل‌برانگیز و لایه لایه. شعری که نوجوان بتواند از آن لذت ببرد، آن را درک کند و در طول زمان، اعتبار و زیبایی‌اش را از دست ندهد. شعری از نوجوانی تا بزرگسالی، شعری سیال که قابلیت ارتباط با مخاطبان سیال را دارد.

کتاب هفته ۶۷۶ ۸۴/۱۲/۲۷

رستاخیز در ادبیات کودک

سیمین‌دخت گویزى

خداوند در اندیشه‌های کهن ما از همان آغاز خلقت، به انسان آزادی داده و ابزارهایی که بالاترین آن‌ها، عقل و درایت است. انسان به کمک این ابزار، از دل آفریده‌های خداوند، چیزهای دیگری می‌آفریند، اما متأسفانه این دستمایه‌ها تاکنون آن‌چنان که باید در ادبیات کودک ما مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. در حالی که می‌توان با نقب‌زدن به اسطوره‌ها و حتی تفکرات عرفانی، این مضامین را گرفت و با زبانی کودکانه قصه‌پردازی کرد. دکتر سرامی در این باره می‌گوید: «کودک دنیای مدرن امروز یکی از عمده‌ترین نیازهایش بازآفرینی است؛ چرا که او می‌خواهد با دنیای پیشرفته امروز به شیوه خودش ارتباط برقرار کند و با نمادها و شخصیت‌های افسانه‌ای چون عمونوروز و ننه‌سرما هم آشنا باشد. بنابراین، نیاز به بازآفرینی داریم.

عرفان نظر آهارى، شاعر کودکان، از کدري آینه‌های تمام‌نمای فرهنگ جامعه و فرهنگ انسانی شکوه می‌کند: هر چقدر در اسطوره‌های ایرانی و به‌طور کلی در اسطوره‌های شرق زمین پیش می‌رویم، به نقاط مشترکی می‌رسیم که در سراسر جهان نیز رخنه کرده. یکی از این‌ها، زایش دوباره جهان و رستاخیز است که در همه کهن‌الگوها وجود دارد و مسلماً پیامی در آن نهفته است. کودک امروز می‌خواهد بداند و دانستن به کامل‌ترین و ریشه‌ای‌ترین شکل ممکن، حق اوست. نمی‌توان گفت مقوله‌هایی چون بازآفرینی و رستاخیز بفرنج هستند و فهم‌شان برای کودک مشکل است. پس نباید به آن‌ها پرداخت، بلکه این به هنرمندی و توانمندی نویسنده بستگی دارد که از چه شیوه‌هایی استفاده و یا خلق کند تا بتواند با مخاطب خردسالش ارتباط بگیرد.

سرزمین شعر نوجوان، از یک سو در همسایگی کودکی است و از سویی به سرزمین بزرگسالی منتهی می‌شود. از کشف این سرزمین، زمان چندانی نمی‌گذرد. البته بیش‌تر مهاجرت‌ها از سمت کودکی به این حوالی بوده و عمده ساخت‌وسازها در منطقه‌هایی است که هنوز نسیم کودکی در آن می‌وزد. یکی از وجوه تمایز شعر کودک و نوجوان با شعر بزرگسال را در توجه به مخاطب دانسته‌اند. به این معنا که شاعر کودک و نوجوان، پیشاپیش مخاطبی فرضی را مدنظر دارد و مجبور است پاره‌ای قاعده‌ها را رعایت کند و از پاره‌ای محدوده‌ها پا را فراتر نگذارد، اما شاعر بزرگسال چنین پیش‌فرض و الزامی ندارد. شاید بتوان کودک را در محدوده‌های فیزیولوژیک گنجانند و با برشمردن مختصات روان‌شناسانه‌اش، به تعریفی نسبی از او دست پیدا کرد. اما نمی‌توان با نوجوان چنین برخوردی داشت. نوجوانی بیش از آن‌که مفهومی قالبی باشد، معنایی سیال است. شرایط مختلف اقتصادی، اجتماعی، پیشامدهای تاریخی و سیاسی، تفاوت‌های اقلیمی و جغرافیایی و توانمندی‌های گوناگون زبانی و فکری، نوجوانان را در سطوحی مختلف، با نیازها و سلاهی متفاوت قرار می‌دهد. کم‌کردن از معنای نوجوانی، باعث شده شاعران شعر نوجوان به تعریفی پایبند باشند که نوجوان را بیش‌تر به کودک نزدیک می‌دانست تا بزرگسال. به همین دلیل، نوجوانی که ملام طلب بزرگی می‌کند، خود را مخاطب شعر نوجوان ندانسته، کم‌کم ارتباط و رغبتش به این شعر کودک زده کم شده و تمایلش به شعرهای فراتر از گروه سنی خود فزونی یافته. علاوه بر کاستن از معنای نوجوانی، در شعر نوجوان با عارضه دیگری نیز درگیریم و آن کم‌کردن از مفهوم شعر است.

به نظر می‌رسد شعر نوجوان ما، بیش‌تر شعری تک سلیقه‌ای است که بی‌هیچ ضرورتی، خود را در محدودیت‌های بسیاری اسیر کرده. شعر نوجوان برای احیا و ابقای خود، به تنوع

جعفر ابراهیمی در این باره می‌گوید: در ادبیات کودک، پرداختن به رستاخیز و آفرینش دوباره، نکته‌ای بسیار ظریف است؛ چرا که تاکنون به مسائل کودک و نوجوان به شکلی کلان نگاه شده، مثل عناصری چون تربیت، اندرز، احترام به والدین... این موضوعات آن قدر تکراری‌اند که حتی برای بزرگسال هم جاذبه‌شان را از دست داده‌اند. تنها دلیلی که می‌توان برای این مسئله مطرح کرد، کونه‌نگری نویسنده است. بدیهی است که نویسنده با مردم عادی متفاوت است، اما وقتی او هم سطحی‌نگر می‌شود و از ژرف‌نگری می‌گریزد، نتیجه‌اش همین می‌شود که می‌بینیم؛ یعنی در میان آثاری که تاکنون داشته‌ایم، جای عنصر تولد دوباره خالی است.

در این میان، احمدرضا احمدی شاعر، می‌گوید: تا به حال کتاب‌های زیادی در باره بهار و نهال‌های آن برای کودکان داشته‌ایم، اما شاید با این زیربنای فکری که امروز مورد توجه شماست، به آن نگاه نشده باشد. البته آن‌چه مهم است، این‌که همیشه گام اول، توجه‌کردن است.

مصطفی رحماندوست، پژوهشگر، شاعر و نویسنده کودک، خلاف دیگران معتقد است: بازآفرینی و تغییرات زیربنایی در ادبیات کودک ما کم‌رنگ نیست و تاکنون نیز مکرر به آن پرداخته شده است. شیوه پرداختن به این اسطوره‌ها در کتاب‌های کودکان، بسیار متفاوت از نوشته‌های بزرگسالان است؛ چرا که در نوشته‌هایی که مخاطبش کودک است، اصلاً نباید به طور مستقیم به اسطوره‌ها و یا حتی نام آن‌ها اشاره کرد. فقط می‌توان از آن‌ها الهام گرفت و آن‌ها را به شیوه‌ای که برای بچه قابل پذیرش باشد، مطرح کرد. به این ترتیب، تصویری موهوم در ذهن کودک نقش می‌بندد که بعدها وقتی خودش به اصل این اسطوره‌ها برمی‌خورد، در پس زمینه ذهنی‌اش آن را کاملاً می‌شناسد و با داستان آن آشناست و می‌داند که سال‌ها پیش در کودکی‌اش هم این قهرمان یا شخصیت را می‌شناخته.

کتاب هفته ۶۷۵ ۸۴/۱۲/۲۰
کوچولوی هزارساله، گفت‌وگو با فاطمه مشهدی رستم، برنده جایزه بولونیا
زهره نیلی

«تاپ تاپ تاپ» کتابی است برای نوجوانان، به قلم فاطمه مشهدی رستم، نویسنده و روزنامه‌نگاری که سال‌هاست برای کودکان و نوجوانان می‌نویسد و با احساس و اندیشه آنان آشناست و شاید همین پیوند و آشنایی، موجب شد که جایزه سال ۲۰۰۶ بولونیا، به اثر او تعلق یابد. «تاپ تاپ تاپ» ماجرای آدم کوچولویی را روایت می‌کند که برای رسیدن به خوشبختی، به سفر دور دنیا می‌رود و پس از هزار سال، به شهر و دیار خود

برمی‌گردد و خوشبختی را در آغوش مادر خود و محبت بی‌دریغ به دیگران می‌یابد. فاطمه مشهدی رستم، در پاسخ به این سؤال که چرا سفر را بن‌مایه داستان خود قرار داده، می‌گوید: سفر، آموزگار بزرگ‌ترین نادیده‌ها به انسان است، تنها با سفر می‌توان به بسیاری از کشف و شهودها رسید و به ذهنیت‌های متفاوت و چیزهای ناشناخته دست یافت. سفر به باور من، دو نوع است: سفر بیرونی و سفر درونی. من در این کتاب، با قید کلمه هزار سال، مخاطب را به درون خود و درون آن چیزهایی که طی این مدت در داستان اتفاق افتاده و می‌افتد، فراخوانده و با ذهنیت و برداشت خود هماهنگ کرده‌ام و از طرف دیگر، او را متوجه تغییر آدم کوچولو، پس از بازگشت از سفر هزارساله کرده‌ام. وقتی آدم کوچولو از سفر برمی‌گردد، هیچ کس را نمی‌شناسد و این نشناختن، تنها از آن‌ها و آدم‌های اطرافش نیست. آدم کوچولو در طول سفر با دنیایی مملو از پستی و بلندی آشنا می‌شود؛ دنیایی که مردم آن عدالت، محبت و انسانیت را نمی‌شناسند و قطره اشکی که با دیدن مردم برگونه قهرمان قصه می‌چکد، نماد پاک‌شدن از آلودگی‌هاست.

کتاب هفته ۶۷۲ ۸۴/۱۲/۱۳
گذر از هفت‌خوان زندگی به یاری اسطوره
زهره نیلی

نشست سه روزه «اسطوره و ادبیات کودک»، در حاشیه دومین نمایشگاه ایران‌شناسی، از اول تا سوم اسفندماه در مرکز آفرینش‌های فرهنگی - هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برقرار شد. چکیده‌ای از گفته‌های تنی چند از سخنرانان این نشست در این‌جا ارائه می‌شود.

دکتر کمال پولادی، مترجم و پژوهشگر، با اشاره به ارتباط نزدیک دنیای کودکی و عالم اساطیر گفت: بسیاری از روان‌شناسان و پژوهشگران معتقدند که مراحل رشد کودک و ویژگی‌های ذهنی او در دوران ابتدایی زندگی، شباهت بسیاری با ذهنیت بشر اولیه در زمان خلق اسطوره‌ها دارد. وی به سه دوره بدوی، سنتی و مدرن در تکامل بشر اشاره کرد و گفت: بعضی جامعه‌شناسان بر این باورند که اسطوره‌ها در زمانی از حیات بشر اولیه پدید آمده‌اند که او روزگار کودکی خود را طی می‌کرده و ذهنیتش با اسطوره همراه بوده است. وی جاندارپنداری را مشخصه اصلی تفکر اسطوره‌ای دانست و گفت: یکی از تأثیرات مهم اسطوره بر روان کودکان، کمک به این گروه سنی در غلبه بر تنش‌های درونی است. اساطیر به کمک کودکان می‌آید و آنان را از هفت‌خوان زندگی می‌گذراند؛ چرا که کودک با قهرمانان اساطیری، همذات‌پنداری می‌کند و آنان را الگوی خود قرار می‌دهد.

شخصیت‌ها موقر و بزرگسالانه است و مانند همه بچه‌های خوب، گوش به فرمان هستند.

۸- پیام این آثار واضح است؛ به ویژه در آثار مقطع ابتدایی، معمولاً یک راوی یا مربی می‌آید و صریحاً می‌گوید: «... پس ما نتیجه می‌گیریم که...» در این آثار روح پرستی گرایانه وجود ندارد.

۹- جملگی این آثار پایانی خوش دارند. پایان خوش، نه براساس سیر منطقی وقایع، بلکه با بیان جمله‌ای یا ورود ناگهانی یک نفر به قصه رخ می‌دهد.

۱۰- فضاهای این نمایش‌نامه‌ها محدود است. بیش‌تر وقایع در یک اتاق در خانه یا یک کلاس درس رخ می‌دهد. این امر به محدودیت مکانی و عدم ایجاد امکانات اجرایی صحنه‌های متنوع برمی‌گردد.

۱۱- تعداد نقش‌ها در این گونه آثار، معمولاً محدود است. ۱۲- زبان این آثار پاک، ولی بی‌بینه و خنتی است. الفاظ رسمی تأیید شده و با ملاحظه‌کاری از اول تا آخر دیالوگ‌ها وجود دارد.

۱۳- مضامین در محدوده‌های بسته تکرار می‌شود. حتی در میان ارزش‌های اخلاقی نیز بسیاری مضامین هیچ‌گاه به نمایش‌نامه تبدیل نمی‌شوند. جسارت، نوآوری و پرداختن به مضامین نو کم‌تر اجازه عرض‌اندام یافته‌اند و این سه، همان چیزهایی است که کودکان و نوجوانان ما تشنه آن‌ها هستند.

صاحب قلم ۸۳/۱۱/۲۵

ادبیات کودک پس از انقلاب چشم‌انداز روشنی دارد، گفت‌وگو با مهدی حجوانی، پژوهشگر و نویسنده کتاب کودک

در باره روند رشد ادبیات کودک و نوجوان، با مهدی حجوانی، پژوهشگر، گفت‌وگویی انجام شده که به نکاتی از این گفت‌وگو اشاره می‌شود. وی معتقد است: وقتی ما تکوین ادبیات یا هر پدیده دیگری را با مشخصه‌های سیاسی و یا نقاط عطف در تحولات سیاسی می‌سنجیم، به این معنی نیست که بخواهیم از سنجش خود نوعی بهره‌برداری سیاسی کنیم. مثلاً در این مورد خاص ادعا کنیم که ادبیات کودک پیش از انقلاب، روند روبه‌رشدی نداشته و برعکس، بعد از انقلاب شکوفا شده است، مگر این که واقعاً این‌طور باشد و ما هم دلایل کافی اقامه کنیم. در واقع علت اصلی تطبیق پدیده‌های غیرسیاسی با دوره‌های تاریخی یا سیاسی، این است که به هر حال این دو پدیده از هم جدا نیستند. تحولات اجتماعی روی ادبیات تأثیر می‌گذارند و ادبیات هم متقابلاً بر تحولات اجتماعی تأثیرگذار است. پس

محمود حکیمی، نویسنده کودک و نوجوان نیز در این همایش به نقش مهم حکیم توس، فردوسی، در پالایش اسطوره‌های شرک‌آمیز و تبدیل آن به مجموعه‌ای از تعالیم توحیدی اشاره کرد و گفت: نگرش فردوسی به جهان، نگرشی قرآنی است. او کتاب خود را با نام خداوند یکتا آغاز می‌کند و در تمام شاهنامه، از توحید و یگانه‌پرستی خدا و مهرورزی و دادگری او سخن می‌گوید.

محمدرضا یوسفی، نویسنده کودک و نوجوان هم ضمن نسبی‌دانستن همه تعاریف ادبی گفت: هیچ تعریف جامع و مانعی در زمینه ادبیات وجود ندارد و عناصر گوناگونی دست به دست هم می‌دهند تا یک اثر هنری یا ادبی خلق شود. اسطوره‌ها می‌توانند دینی، ملی یا آیینی باشند و بیش‌تر آن‌ها نیز مقدسند. هم چنین از لحنی حماسی برخوردارند و به مخاطب الگو می‌دهند. وی در پایان سخنان خود، نویسندگان را به شکستن قالب‌ها و محدودیت‌ها فراخواند و گفت: تا زمانی که این سدها برداشته نشود، ادبیات کودک رشد نمی‌کند و با ادبیات روز دنیا پیوند نمی‌خورد.

کتاب هفته ۶۶۵ ۸۳/۱۰/۱۰

تکرار روی دایره‌های کوچک، آسیب‌شناسی ادبیات نمایشی کودکان و نوجوانان منوچهر انجبرلو

در نگاهی اجمالی به کلیت آثار نمایشی، آسیب‌شناسی ادبیات نمایشی کودک و نوجوان را می‌توان به این گونه فهرست کرد:

- ۱- نگاه عوامانه به آدم‌ها و روابط اجتماعی؛ طوری که وقتی متن را می‌خوانید، روابط این آدم‌ها را در اطراف‌تان ملموس نمی‌بینید.
- ۲- بی‌توجهی کامل به اصل لذت‌جویی که یکی از دلایل اصلی خواندن هر اثر ادبی و هنری است.
- ۳- غالب آثار موجود، محتواگرا هستند و توجهی به فرم ندارند. جز در مواردی خاص، در بقیه موارد گویی فضایی حاکم است که نویسنده را مجبور می‌کند حرف خاصی را بزند.
- ۴- فضای حاکم بر این نوع نمایش‌نامه‌ها، جملگی آرمان‌گرایانه است؛ بچه بد وجود ندارد و یا اگر هست، سریع خوب می‌شود.
- ۵- فضای حاکم بر این متون کم‌تر شاد است؛ یعنی فاقد روحیه‌ای متناسب با فضای سنی بچه‌هاست.
- ۶- این آثار اخلاق‌گرا هستند و حتماً باید فرم‌های اجتماعی در آن‌ها رعایت شود.
- ۷- فضای حاکم بر این آثار، جملگی رسمی است. رفتار

این‌جا منظور از تقسیم‌بندی قبل و بعد از انقلاب، تحقیر یک دوره یا نگاهی ستایش‌گرایانه و شعاری به دوره دیگر نیست. در پاسخ به این سؤال که آیا ادبیات کودک پیش از انقلاب، از استانداردهای لازم برخوردار بوده یا نه، باید بگویم ادبیات مقوله‌ای نیست که به این آسانی بشود واژه استاندارد را برایش به کار برد. هر دوره‌ای کم‌وبیش استانداردهای خودش را دارد. ادبیات کودک ما به شکل امروزی‌اش، پیش از انقلاب و در دوران مشروطه، با حضور کسانی مثل مرحوم باغچه‌بان شکل گرفت. دوران پیش از انقلاب، به دو قسمت کلی تقسیم می‌شود:

دوره نخست، دوره‌ای است که ادبیات کودک توسط علمای تعلیم و تربیت و روان‌شناس تولید می‌شود و نه کسانی که کار اصلی‌شان خلق ادبیات است. در دوره بعد، اما ادبیات توسط کسانی خلق شد که نگاه‌شان به ادبیات کودک سیاسی بود و دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی داشتند؛ آدم‌هایی که به ادبیات کودک و نوجوان، به عنوان محملی برای بیان حرف‌ها و عقاید سیاسی خود نگاه می‌کردند.

اما در دوره بعد از انقلاب، شاهدیم که قالب‌های داستانی در ادبیات کودک و نوجوان، به سمت فضاهای فانتزی کشیده شد. درست است که نویسندگان یا شاعران ادبیات کودک در پی ثبت و انتقال ارزش‌های انقلاب یا جنگ هستند و به هر حال می‌خواهند مثل دوره پیش از انقلاب، نگرانی‌ها و دغدغه‌های بزرگسالی را وارد ادبیات کودک کنند، ولی سعی می‌کنند همان‌ها را با زبان کودکانه روایت کنند. یعنی بزرگسالی نباشند که ادای بچه‌ها را درمی‌آورند، بلکه می‌کوشند کودک درون خود را بیدار کنند و از زبان او به روایت قصه و داستان خود بنشینند. البته عذر آن‌ها نسبت به دوره پیش از انقلاب پذیرفته‌تر است؛ زیرا حرف‌زدن از جنگ و مبارزه در سال‌های پیش از انقلاب، برای بچه‌ها ما به ازای بیرونی نداشت. درحالی‌که بعد از انقلاب و به خصوص در دوران جنگ، این مقوله‌ها وارد زندگی بچه‌ها شده بود و ورود موضوعاتی مثل انقلاب، مبارزه، جنگ و هوشیاری سیاسی به ادبیات کودک ضروری بود.

مورد از آن‌ها اشاره می‌گردد.

وی در مورد این‌که چطور شد ترجمه هری پاتر را به دست گرفت، می‌گوید: اصولاً در کار ترجمه، اول کتابی را تهیه می‌کنم یا کتابی از سوی ناشر به من معرفی می‌شود و بعد اگر با آن ارتباط برقرار کنم، شروع به ترجمه‌اش می‌کنم. در مورد هری پاتر هم ناشر آن را به من معرفی کرد و من شروع به خواندنش کردم. اولین جلد، هری پاتر و زندانی آزکابان بود. خیلی خوشم آمد و آلوده آن شدم. بعد شروع به ترجمه آن و بقیه کتاب‌ها کردم.

او در پاسخ به این سؤال که نثر نویسنده چطور بود، می‌گوید: در بخش‌های توصیفی مشکلاتی داشت. البته، هنگام خواندن این کتاب، حتی خوانندگان انگلیسی زبان هم در جاهایی مجبور به مراجعه به فرهنگ لغت می‌شوند، اما در کل نثر روانی دارد. وقتی سرت‌ترجمه این کتاب‌ها نشستم، هری پاتر در ایران کتاب شناخته‌شده‌ای نبود. نمی‌دانستم کار به این‌جا می‌کشد. ترجمه‌اش را به عنوان یک کتاب معمولی شروع کردم. خیلی از داستان خوشم آمد. ظرافت، بازی با کلمات، اشارات، کنایه‌ها و اساطیر مرا جذب خود کرد. برای همین سعی کردم تا جایی که امکان دارد فضا، روح داستان و واژه‌ها را درست انتقال دهم. او در مورد فیلم هری پاتر می‌گوید: از نظر من فیلم‌ها به خوبی کتاب‌ها نیستند. خیلی از ماجراها برای هیجان بیش‌تر به فیلم‌ها اضافه شده و خیلی از اتفاقات جالب در فیلم‌ها حذف شده. فیلم انسجام و پیوستگی داستان را ندارد.

اسلامیه در پاسخ به این سؤال که شعرهایی که در کتاب ترجمه شده، خیلی سطحی هستند. می‌گوید: به خاطر این بود که شخصیت‌ها سطحی بودند. مثلاً شخصیت مورفین، مثل آدم‌های جنگلی می‌ماند و اصلاً متمدن نیست. اگر ترجمه شعر فیش‌و فی‌شو را با متن اصلی مطابقت دهید، متوجه می‌شوید شعری کاملاً بی‌جگانه است. او در مورد آینده هری پاتر معتقد است که: هری به دست خانم رولینگ کشته می‌شود. از آن‌جا که خیلی بی‌انصاف است، هری را می‌کشد.

کتاب هفته ۶۳۹ ۸۴/۲/۱۸

خیابان طنز، چند عکس از پیاده‌رو، گزارشی از کتاب طنز کودک و نوجوان

تاریخ

در حوزه طنز کودک و نوجوان، انتشار کتاب‌های ترجمه بر تألیف پیشی گرفته است و این مسئله می‌تواند تهدیدی برای نهال نازک طنز کودک و نوجوان کشور باشد. طنز در ادبیات کودک و نوجوان، چه جایگاه و کارکردهایی دارد؟ این موضوع بحثی بود که با صاحب‌نظران در مورد آن گفت‌وگو شد:

جلسه

در جلسه‌ای که با حضور ویدا اسلامیه تشکیل گردید، به نقد و بررسی کتاب‌های هری پاتر پرداخته شد و از وی در مورد ترجمه این کتاب‌ها سؤالاتی پرسیده شد که در این‌جا به چند

دنیای تصویر ۱۵۳، زمستان ۱۳۸۴

جلسه نقد و بررسی کتاب‌های هری پاتر، با حضور ویدا اسلامیه، مترجم کتاب‌های هری پاتر

در ایران

نوید نیک‌خواه آزاد

از نظر مرادی کرمانی، طنز می‌تواند موقعیت تلخ و ناگواری را شیرین کند و به بچه‌ها نشان بدهد یعنی در عین حال که بچه‌ها را با وقایع ناگوار آشنا می‌کند، آن‌ها را خیلی غمگین نکند و بتواند با زبان طنز، آن‌ها را از مسائلی مانند مرگ، جدایی، تنهایی، یتیمی که شاید پیش‌تر مربوط به بزرگسالان باشد، دور سازد. او معتقد است با طنز صحیح، می‌توان به همه این مسائل ناراحت‌کننده سمت و سوی صحیحی داد و با طنز می‌توان بسیاری از مسائل اخلاقی و اجتماعی را به بچه‌ها آموخت.

رضی هیرمندی، در باره جایگاه و کارکردهای طنز در ادبیات کودک و نوجوان می‌گوید: طنز و فانتزی دو نوع ادبی هستند که بیش از هرگونه دیگری با سرشت پرنشاط و روح بازیگوش و برجسته‌وخیز کودک همسازي دارند. شوخ‌طبعی و طنز بر شادمانی کودک می‌افزاید، هوشمندی‌اش را فعال‌تر و توان مقابله‌اش را با مشکلات و سختی‌های زندگی بیش‌تر می‌کند. او آموزش را هم بر جنبه‌ها و کارکردهای طنز می‌افزاید و می‌گوید: با بهره‌گیری از طنز می‌توان موضوعات علمی، اجتماعی و حتی تاریخی را بهتر به بچه‌ها یاد داد. این امر در آموزش‌های ضروری روزمره هم صدق می‌کند. او الفبای انگلیسی عمو شبلی، اثر سیلوراستاین را یکی از نمونه‌هایی معرفی می‌کند که با بهره‌گیری از نقیضه‌پردازی و وارونه‌گویی، بچه‌ها را به خنده و شادی وامی‌دارد و به طور ضمنی به آن‌ها آموزش می‌دهد.

اما شهرام شفیعی، نویسنده کتاب‌های طنز نوجوانان، در این باره معتقد است که طنز بخش غیرقابل حذف خلقت و زندگی است. موجودی که وارد مکانیزم خنده می‌شود، از جایگاه فلسفی‌تری به هستی نگاه می‌کند. طنز در ادبیات کودک و نوجوان همان جایگاهی را دارد که در سرشت زندگی دارد و از این نظر از ادبیات بزرگسالانه جدا نیست.

پروین سلاجقه، پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان می‌گوید: طنز یکی از هنری‌ترین شیوه‌های بیان مجازی است که در غنی‌سازی دامنه معنایی سخن تأثیری معجزه‌آور دارد و سخن را از سطح ابتدایی به سطح کارکردهای ژرف و ویژه می‌رساند. به اعتقاد وی، این شیوه بیان در ادبیات کودک و نوجوان جهان، به جایگاه مناسبی دست پیدا کرده، اما در کشور ما متأسفانه هنوز جایگاه واقعی خود را نیافته است.

رویا صدر، طنزنویس در باره جایگاه و کارکرد طنز در ادبیات کودک و نوجوان ما می‌گوید: جایگاه و کارکرد طنز در ادبیات کودک و نوجوان، مشابه ادبیات بزرگسال است؛ یعنی به دلیل پایین بودن آستانه تحمل بعضی‌ها، مجبور است آهسته بیاید و آهسته برود. در این میان، طنز نوجوان نسبت به طنز بزرگسال با خودسانسوری مضاعفی روبه‌روست؛ چرا که تابوها پررنگ‌تر و ضریب حساسیت، بسیار بیش‌تر است. طنز در این دوره سنی موقعیتی شکننده و آسیب‌پذیر دارد که به دلیل سختی کار طنز و شمار اندک افرادی که در این حیطه قلم می‌زنند، شکل گرفته

و در حجم پایین کتاب‌های انتشار یافته و آثار تألیفی ارائه شده است. طنز در نشریات، در مقایسه با آثار غیرطنز متجلی می‌شود و گاه در به‌کارگیری قالب‌های کم‌خطر مثل استفاده از جوک و لطیفه در نشریات کودک و نوجوان، خودش را نشان می‌دهد.

کتاب ماه کودک و نوجوان / آبان - آذر ۱۳۸۴ / شماره

۹۸-۹۷

مقدمه

نویسنده: خسرو آقاپاری

فرازهای پرفرود یک رمان پر حجم

نویسنده: حسن پارسایی

نام کتاب: امیل و سه پسر دوقلو

نویسنده کتاب: اریس کستر

مترجم کتاب: سپیده خلیلی

- شما که غریبه نیستید

نویسنده: گلاله محمدی

شما که غریبه نیستید

نویسنده کتاب: هوشنگ مرادی کرمانی

- پله بازی

نویسنده: نادیا رستمی

عنوان کتاب: پله بازی

نویسنده کتاب: سرور کتبی

- تلنگری به ذهن کودک

نویسنده: انسیه موسویان

عنوان کتاب: از این طرف لطفاً فقط هیس

نویسنده کتاب: ناصر کشاورز

- جشنواره موسیقی، به مناسبت چاپ مجموعه شعر

«سایه‌های مهربان»

نویسنده: یحیی علوی فزد

عنوان کتاب: سایه‌های مهربان

شاعر کتاب: افسانه شعبان‌نژاد

- ره‌آورد

چهل و هشتمین نشست نقد آثار تصویری

- کتابخانه‌های دست و پا شکسته

نشست تخصصی ۱۹۴، اولین نشست کتابخانه‌های

منارس

- تولیدی انبوه شعر کودک

گزارشی از یک فاجعه انسانی در حیطه نشر کتاب کودک

نویسنده: محسن وطنی

- در حاشیه جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان

- یکی بود، یکی نبود

گزارشی از برگزاری نهمین جشنواره قصه‌گویی در

اصفهان

- خوانندگان همیشه نمی‌دانند چه می‌خواهند، مصاحبه با

فیلیپ پولمن، در باره نوشتن

ترجمه: ژاله نوینی

- جایزه بزرگ تصویرگران براتیسلاوا، نخستین بار به یک ایرانی تعلق گرفت، مصاحبه با علیرضا گلدوزیان نویسنده: زینا معینی شیرازی

- بچه‌ها و کتاب‌ها

نویسنده: آنجی دورل

ترجمه: دلارام کارخیزان

- ادبیات کودک اسکاتلند

مترجم: شهلا انتظاریان

- پسامدرنیسم در کتاب‌های مصور کودکان

نویسنده: سیلکه واپرس

ترجمه: علی ادیب راه

- اولین چشم‌انداز جهان، نگاهی به دوره‌های سنی نقاشی

کودکان

نویسنده: ساندرا کروزر

مترجم: دلارام کارخیزان

- آن‌چه کودکان ترجیح می‌دهند

نویسنده: زنا سوترلند

ترجمه: مینا مانی قلم

دنیای ترسناک بینندگان خردسال تلویزیون

نویسنده: جورج گریز

مترجم: بهستا رضایور

- دل‌تنگی‌های یک روز ابری، یادداشتی بر داستان به دنبال صدای او

نویسنده: مجید محبوبی

عنوان کتاب: به دنبال صدای او

نویسنده کتاب: محمدرضا پایرامی

- زندگی با رویا، نگاهی به سه کتاب «فضانوردها در کوره

آجریزی»، «گاوهای آرزو»، «آواره بی‌خورشید»

نویسنده: گل‌اله محمدی

- جایگاه کتابخانه‌ها و نقش آن در نظام آموزشی کشور

نویسنده: قدرت‌الله نیکبخت

- کتابی از بازی‌ها، آشنایی با کوانتین بلیک تصویرگر

کتاب‌های کودکان

نویسنده: شراره خسروانی

- چشمان راضی، گاه ناراضی، یادداشتی بر جشنواره

تصویرگری کتاب‌های درسی

نویسنده: مطهره کشاورز

کتاب ماه کودک و نوجوان / دی ۱۳۸۴ / شماره ۹۹

سرمقاله

- توسعه‌یافتگی و ادبیات کودک

نویسنده: خسرو آقاپاری

یادداشت

- با شازده کوچولو رفت

نویسنده‌گان: شهرام اقبال‌زاده، حامد نوری

- اگر می‌دانستم

نویسنده: رایگا بامداد

- روایتی دوباره

نویسنده: رایگا بامداد

عنوان کتاب: الیدور

نویسنده کتاب: آلن گارنر

مترجم کتاب: شهرام رجب‌زاده

- توجیه خشونت انسانی یا رسالتی الهی؟

نویسنده: رویا خوشنویس

عنوان کتاب: گوزن سفید

نویسنده کتاب: کیت سردی

مترجم کتاب: نسرین وکیلی

- دفاع از نوجوانی

نویسنده: حسن پارسایی

عنوان کتاب: مسلسل‌چی‌ها

نویسنده کتاب: رابرت وستال

مترجم کتاب: بیژن آرقند

- درخت خانه ما

نویسنده: انسیه موسویان

عنوان کتاب: درخت خانه ما

شاعر کتاب: محمود پورهاب

- جهانی به وسعت پنج انگشت

نویسنده: محسن وطنی

عنوان کتاب: بازی با انگشت‌ها

شاعر کتاب: مصطفی رحماندوست

- تاپ تاپ تاپ

نویسنده: سمیرا آقاخانی

عنوان کتاب: تاپ تاپ تاپ

نویسنده کتاب: فاطمه مشهدی رستم

- فانتزی‌های ویکتوریایی

نویسنده: رزمی جگسن

مترجم: غلامرضا صراف

- جایی میان دو قله، برخی از ویژگی‌های ادبیات نوجوانان

نویسنده: کی‌ای، واندر گریفیت

مترجم: دلارام کارخیزان

- شخصیت‌پردازی در شعر کودک

نویسنده: شایا محمدی رفیع

- ارائه تصاویر وحشت به کودکان، آری یا خیر؟

نویسنده: علی فتح‌اللهی

- آنتونی برون، آشنایی با آنتونی برون، تصویرگر کتاب‌های کودک

نویسنده: شراره خسروانی

- خشونت در دنیای مجازی

نویسنده: عطاءالله کویال

- دنیای کاغذی، نگاهی به تأثیر کتاب بر مقاطع تحصیلی

نویسنده: فرید رشیدیانی

- واقعیت امروز، مجازهای نوین زندگی بشری،

گزارش اولین نشست تخصصی ادبیات داستانی

- واقع‌گرایی یا تخیل،

گزارش چهل و نهمین نشست نقد آثار تصویری

- کتابخانه‌های دست و پا شکسته، گزارش دومین نشست فرهنگ عمومی

پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان /

زمستان ۱۳۸۴ / شماره ۴۳

سرمقاله

مشارکت در تجربه‌های بشری
نویسنده: علی اصغر سیدآبادی

مقدمه

لانوآ گزررو

نویسندگان: لانوآ گزررو، البانورا مارتینز، نورما مونیوزلدو،

اناسوفیو رامیرز هتلی

مروری کوتاه بر تاریخچه ادبیات کودک و نوجوان در مکزیک

نویسنده: لانوآ گزررو گوآدارما

ظهور ادبی و فرهنگی کودکان در مکزیک

نویسنده: البانورا مارتینز

حضور تاریخی موجودات بدوی و افسانه‌ای در ادبیات کودکان

نویسنده: نورما مونیوزلدو

دوران کودکی در اثر امیلیو کارباییدو

نویسنده: اناسوفیا رامیرز هتلی

نگاهی به ادبیات کودک از پنجره‌های دیگر

نویسنده: علی اصغر سیدآبادی

کتاب‌های کودکان خردسال

نویسنده: کالین میلز، ترجمه، نیلوفر مهدیان

بچه‌های امروز، عاشق تخیل هستند،

گفت‌وگوی اختصاصی با ماریا هرنگرن

نویسنده: آرمن نورسیسیان، مترجم، آزاده عصاران

ادبیات کودک در سه زمان، گذشته، حال، آینده

نویسنده: گلنا اسلوان، مترجم: بهار اشراق

در باره ادبیات شفاهی

نویسنده: محمد جعفری

افسانه فطرس

نویسنده: سیدعلی محمد رفیعی

پیش به سوی کشور کتابخوان‌ها:

گفت‌وگو با سه نویسنده مکزیک

نویسنده: موره شین الیهاری

کودکی در این روزگار سخت است

نویسنده: آرمن نورسیسیان

پژوهش

معرفی یک پایان‌نامه

ابزارهای شعرافرینی در ادبیات کودک

نویسنده: زهرا ظاهر نژاد

به سوی وضعیت ایده‌آل

نویسنده: زری نعیمی

آن که خیال‌باقت، آن که عمل کرد

نویسنده: محمدرضا یوسفی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی